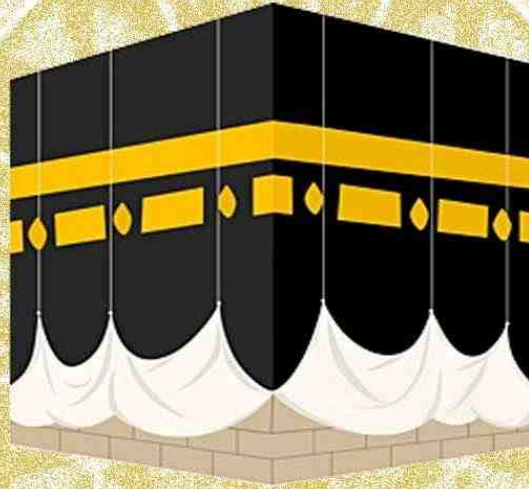




شماره ۶  
نشریه الکترونیک  
علیہا السلام  
رہروان زینبی

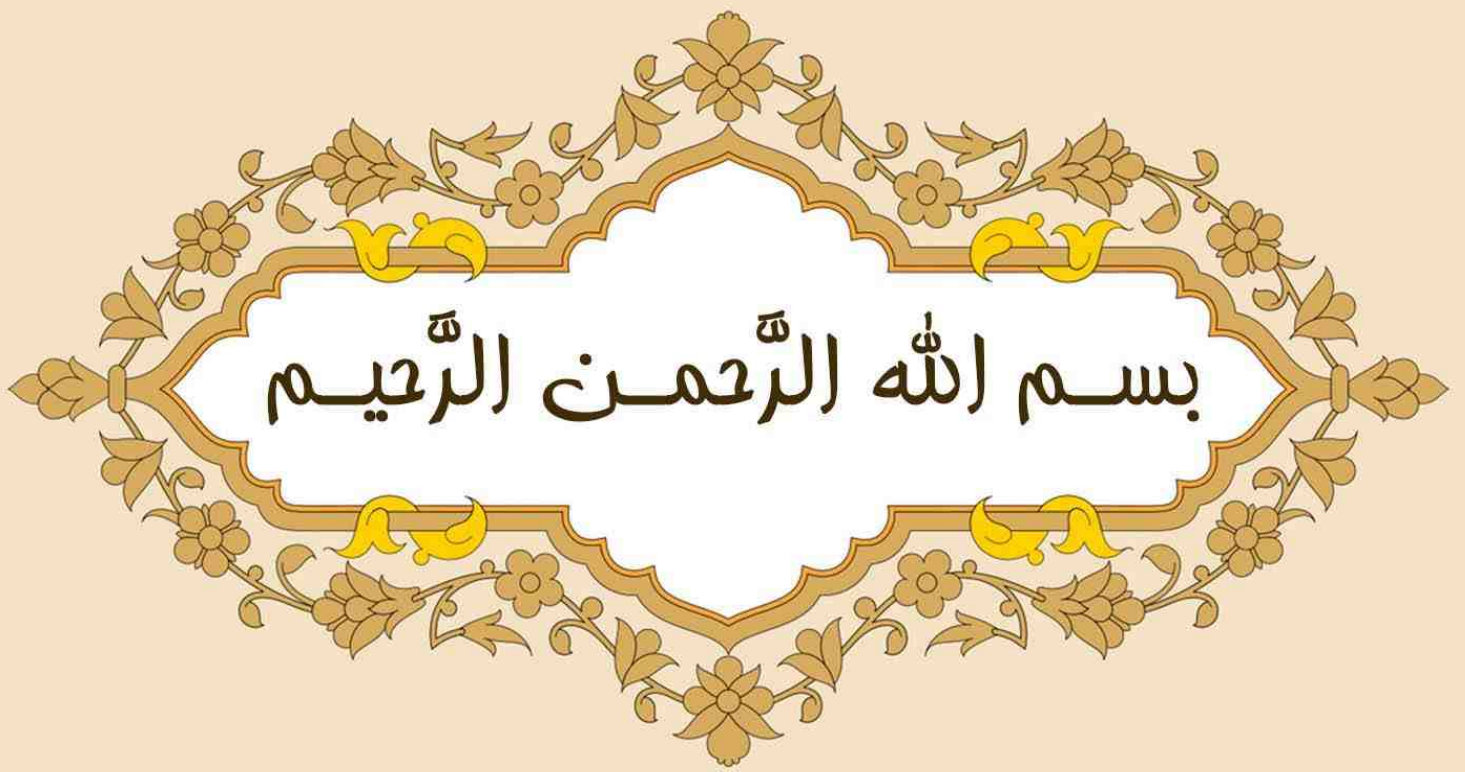
دوفصلنامہ بہار - تابستان ۱۴۰۲

لَتَبْتَكَ اللَّهُمَّ لَتَبْتَكَ  
لَتَبْتَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَتَبْتَكَ



إِنَّ الْبَطْخَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ





بسم الله الرحمن الرحيم



میسیت تحریریه:

اکبرم جواهری

فاطمه دیانتی

اشرف صفیری

مریم کاویانی

زهرا ناطقیان

سر دبیر و طراح:

فاطمه قالی

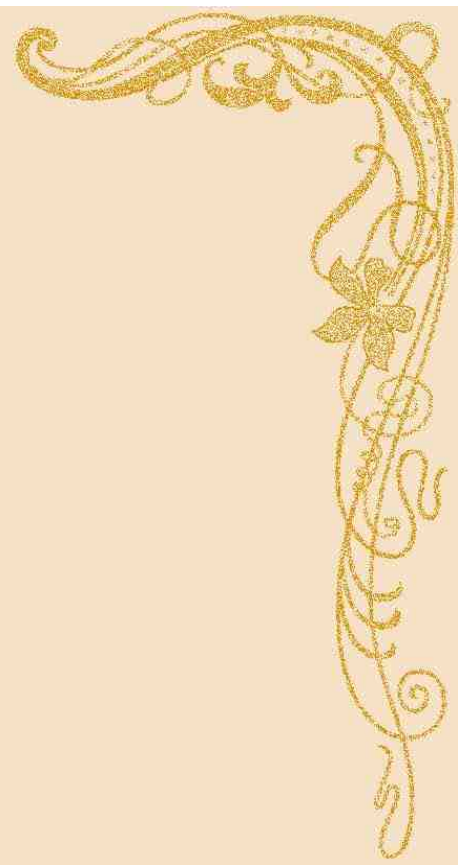
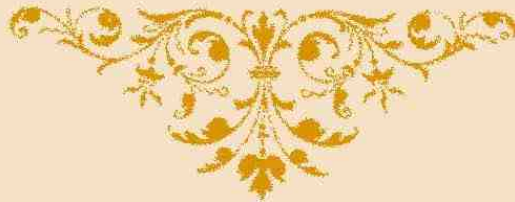
آدرس: تهران، پاسداران، میدان هروی، بلوار شهید پناهی نیا، خیابان شهید نادر زندی، انتهای کوچه شهید قادری، پلاک ۷۹، حوزه علمیه

حضرت زینب کبری سلام الله علیها

[www.zbrs.ir](http://www.zbrs.ir)

شماره تلفن: ۲۶۳۲۴۰۵۸

# فهرست مطالب



۱. راهبرد اطلاعاتی پیامبر اسلام در جنگ ..... ص ۱
۲. بررسی صالح المومنین در قرآن با رویکرد به آیه ۴ سوره تحریم ..... ص ۶
۳. نقش تربیت معنوی در کاهش شکاف نسلی با تکیه بر صحیفه سجادیه ..... ص ۱۹
۴. مسیح مشروطه ..... ص ۲۲
۵. معرفی کتاب صیوروت انسان بر صراط مستقیم ..... ص ۲۵





## سخن سردیر

با عرض سلام و ادب خدمت مخاطبان گرامی نشریه الکترونیک رهروان زینبی علیها السلام، به لطف الهی با ششمین شماره از نشریه حوزه علمیه حضرت زینب کبری سلام الله علیها در خدمت شما هستیم و هذا من فضل ربی. اما در خصوص بهار و تابستانی که تا میانه آن را زیسته ایم، مصادف شدن بهارِ قرآن یعنی ماه مبارک رمضان با آغاز فصل بهارِ زمین، بسیار دل انگیز و موجب تجربه دو بهار باشکوه در دو بعد مادی و معنوی گردید.

در باب قرآن کریم و معجزه پیامبر خاتم صلوات الله علیه سخن ها بسیار است. لیکن در قرن بیست و یکم هنوز هم با رفتارهایی جاهلانه از سنخ بدوی آن در دل اروپای مدعی پیشرفت مواجهیم و بشر به اصطلاح متمدن امروز به جای فهم کلام الهی، کتاب قرآن را می سوزاند و به آن مفتخر است. در مذمت این فعل شیاطین نیز سخن ها و اعتراضات بسیار است اما باید به این نکته توجه نمود که بُعدی از این رفتار متحجرانه ناظر به آینده می باشد؛ آتیه ای که در حال شکل گیری است و آن چیزی نیست جز تمدن نوین اسلامی. تمدنی که کتاب قانون اساسی آن همین قرآن عزیزی است که در دستان من و شما هست اما با این تفاوت چشمگیر که قرآن ناطق مامور اجرای آن و تجلی بخش اعماق ناگفته این معجزه الهی خواهد بود.



وقتی دست دشمن به لطف الهی به قرآن ناطق زمان ما نمی رسد از روی عجز به قرآن مکتوب حمله می نماید. غافل از این که این کتاب آسمانی خود نور است و روشنایی بخش و با این اعمال شنیع، آوازه آن بیشتر در گوش بشریت می پیچد و این خود دعوتی عمومی است به توحید و دینی کامل به نام اسلام و خدا دشمنان ما را از نابخردان قرار داد. از خداوند اشد مجازات را برای عاملان این جریان کثیف خواهیم.

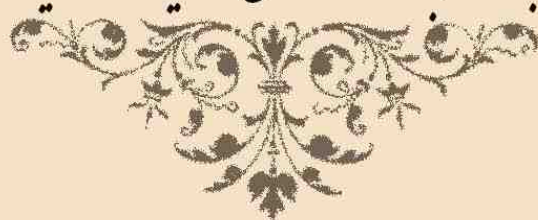
از مصحف سوزانده گفتیم و در میانه این تابستان گرم و عطش آفرین یاد مصحف ورق و عطر عطران کربلا، این دردانه پروردگار و جگرگوشه اصحاب کساء به میان آمد. عاشورا، واقعه ای که اوج پلیدی و اوج پاکی را به نمایش می گذارد. افتخاری که نصیب نبی اکرم می شود و خداوند از بهترین بنده خود قربانی می پذیرد برای زنده نگه داشتن مکتب توحید و انعکاس هر لحظه ندای دعوت الهی در طنین «هل من ناصر ینصرنی» حضرت سیدالشهدا علیه السلام. و ما نیز در تمنای انتقام چشمه جوشان عاشورا، روزها را سپری و چشم انتظار قیام ذخیره الهی هستیم تا شاید خداوند جان ناقابل ما را در رکاب ولی خود خرید و ما را از آتش رها کند و تا ابد با پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام محشور گردانید چرا که سخت دلتنگیم و بی قرار. امید است از این شماره از نشریه نیز بازدید بفرمایید و گروه تحریریه نشریه رهروان زینبی علیها السلام را از نظرات راه گشای خود محظوظ نمایید.

و من الله التوفیق





راهبرد اطلاعاتی پیامبر اسلام  
در جنگ (بدر، احد و خندق) در آیات و روایات



استاد حوزه

اشرف صفری

اشاره

در این مقاله راهبرد عملیاتی، روانی، اقتصادی، اطلاعاتی بررسی شده است. به دلیل طولانی بودن مطالب، هر کدام از راهبردها را در یک شماره از نشریه خدمت شما عزیزان تقدیم می‌گردد.

چکیده

در طول ۱۰ سال بعد از هجرت مسلمانان، پیامبر اکرم در مدینه تشکیل حکومت دادند و لشکر نظامی آراستند و در مواقع لزوم به جنگ با دشمنان و صف‌آرایی در مقابل آنان پرداختند. در بسیاری از این غزوات، قوانین جنگ، حملات ایذایی یا غافلگیرانه، جنگ روانی از طرف سپاه اسلام و یا مشرکین وجود داشته است که پیامبر عظیم‌الشان اسلام بعضی از آن‌ها را تأیید و برخی دیگر را طرد فرموده‌اند و قوانین جدیدی بر اساس دین اسلام تأسیس نمودند. بسیاری از این قوانین در میان داستان عبرت‌آموز این جنگ‌ها مورد غفلت واقع شده که لازم به رویکردی دوباره و دقت نظر علمی است. این مقاله به بررسی سه غزوه بدر، احد و خندق که از بزرگ‌ترین غزواتی بوده‌اند که در آن پیروزی، شکست و جنگ فرسایشی تجربه گردیده، پرداخته است و روش پیشبرد مبارزات و بیرون آمدن از بن‌بست‌ها در جنگ (راهبرد) را مورد واکاوی قرار داده است.



روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای با مراجعه به کتب تاریخی مذهبی بوده است. پردازش اطلاعات به صورت توصیفی بوده و در مواردی نیز به تحلیل مطالب پرداخته شده است. واژگان کلیدی: پیامبر اکرم جنگ، راهبرد، اُحد، بدر، خندق، غزوه، سریه.



## اطلاعات بیشترین تاثیر در نبرد را دارد و مهم ترین نقش را در جنگ ها ایفا می کند



### راهبردهای اطلاعاتی

اطلاعات در جنگ نقش مهمی ایفا می‌کند و چه بسا بیشترین تأثیر را دارد لذا در این مبحث اهمیت حفظ اسرار، گرفتن اطلاعات از دشمن، شیوه مخفی کردن اطلاعات و همچنین مشورت و استفاده از مشاوران نظامی برای طرح و برنامه جنگی و از کسانی که مطلع در امور نظامی هستند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### حفظ اسرار

گاهی اوقات در فرماندهی جنگ لازم می‌آید که یک فرمانده با تدبیر بعضی از اطلاعات را از لشکریان و غیر آن پنهان کند به عنوان نمونه در غزوه احد زمانی که حضرت رسول اکرم حباب بن منذر را به جمع‌آوری اطلاعاتی از دشمن مأموریت دادند به ایشان فرمودند یک فرمانده لایق باید اسرار را به خوبی مکتوم دارد؛ زیرا ستون پنجم نیروهای جاسوسی دشمن اطلاعات را به دشمن می‌دهند و موجبات شکست فراهم خواهد شد. حضرت در ادامه فرمودند:

«چون برگشتی در حضور هیچ یک از مسلمانان به من گزارش مده مگر دشمن را اندک یافته باشی.»<sup>۱</sup>

بعد از این که منذر اطلاعات لازم را در اختیار حضرت گذاشت فرمود: «از ایشان چیزی را فاش مکن، خداوند برای ما کافی و بهترین وکیل است، خداوند با کمک تو با دشمن می‌ستیزم و بر آنها می‌تازم.»<sup>۲</sup>



لذا فرمانده به عنوان یک وظیفه مهم باید تلاش سختی در این راه به کار گیرد که اسرار نظامی منتشر نشود و دیگر نفرات لشکر نیز آن چه می‌دانند با کسی در میان نگذارند. حضرت علی علیه السلام ضمن یک سخنرانی برای نیروهای خویش می‌فرماید:

«أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أُحْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ»؛<sup>۳</sup> آگاه باشید که حق شما بر من این است که من جز اسرار نظامی هیچگونه سری را از شما پنهان ندارم.<sup>۴</sup>

گرفتن اطلاعات از دشمن آن چه در گذشته و حال نقش اساسی و تعیین کننده‌ای در جنگ داشته و دارد به دست آوردن اطلاعات دقیق و صحیح از کمیت و کیفیت نیروها، تجهیزات، تاکتیک‌ها و آرایش نظامی دشمن است.

همچنان که قبلاً بیان گردید پیامبر در جنگ احد این مسئولیت خطیر را به حباب بن منذر<sup>۵</sup> محول کرد. حباب این مأموریت را به بهترین وجه انجام داد و ارقام صحیحی را از موقعیت رزمی دشمن به دست آورد و تقدیم پیامبر کرد.<sup>۶</sup> از موارد دیگر کسب اطلاعات از دشمن توسط پیامبر در پنجم ماه شوال سال سوم هجرت بود که حضرت انس و مونس، فرزندان فضاله را بیرون مدینه فرستاد تا او را از اخبار قریش آگاه سازند و آن دو نفر خبر آوردند که سپاه قریش نزدیک مدینه است.<sup>۷</sup>

استفاده از مراکز اطلاعاتی متعدد در روش دریافت اطلاعات از دشمن لازم است که به یک منبع اطلاعات بسنده نکنیم و از چند طریق خبرهای مربوط به دشمن را بگیریم. در سیره و سنت حضرت رسول اکرم در جنگ چنین روشی به چشم می‌خورد. از جمله بعد از اینکه حباب بن منذر اطلاعات مربوط به دشمن را در اختیار پیامبر گذاشت ایشان فرمودند: به من هم همین اخبار رسیده است.<sup>۹</sup>

که نشان از این دارد که حضرت مشابه این اطلاعات را قبلاً از طریق دیگر کسب کرده است. از جمله مواردی که حضرت رسول اکرم درصدد گرفتن اطلاعاتی از وضعیت دشمن برآمد، در جنگ خندق بود.



**دریافت  
اطلاعات  
نبرد از چند  
منبع، من  
جمله روش  
های نبی  
اکرم در  
جنگ‌ها  
بود**





حذیفه می‌گوید: ... پیامبر در این میان نزد یکایک ما می‌آمد تا این که به من رسید و فرمود: ای حذیفه می‌خواهم بروی و از دشمن برای من خبر بیاوری. من در آن شب که باد بسیار سختی وزیدن گرفته بود رفتم تا بدان جا رسیدم که صدای بادی را از میان صفوف و خیمه‌های آن‌ها می‌گذشت می‌شنیدم و حتی صدای الرحیل الرحیل آن‌ها را که قصد کوچ کردن داشتند می‌شنیدم پس از انجام مأموریت برگشتم و اخبار آن چه شنیده بودم را برای رسول خدا گفتم. <sup>۱۱</sup> از مصادیق دیگر کسب اطلاعات لشکر اسلام این بود که: عباس بن عبدالمطلب در آن شب که بعد از جنگ بدر اسیر بود اسلام آورد و به مکه برگشت و اسلام خود را پوشیده می‌داشت. <sup>۱۱</sup>

یک سال بعد قریش برای خونخواهی کشته‌های جنگ بدر آماده شدند و به مالی که ابوسفیان (در جنگ بدر) آورده بود کمک جستند و گفتند: چیزی از آن را جز در جنگ با محمد مصرف نکنید. پس عباس بن عبدالمطلب خبر آن‌ها را به رسول خدا نوشت و نوشته را با مردی از جهینه فرستاد و پیامبر هم یاران خود را از این قضیه آگاه ساخت. <sup>۱۲</sup>

شیوه مخفی نگه داشتن اطلاعات

پیش از جنگ بدر پیامبر اسلام «عبدالله بن جحش» را طلبید و نامه‌ای به او داد و هشت نفر از مهاجران را همراه وی نمود و به او فرمان داد، پس از آن که دو روز راه پیمود، نامه را بگشاید و طبق آن عمل کند او پس از دو روز طی طریق، نامه را گشود و چنین یافت. پس از آن که نامه را باز کردی تا نخله (زمینی که بین مکه و طایف است) پیش برو و در آن جا وضع قریش را زیر نظر بگیر و جریان را به ما گزارش بده. از جمله نکات برجسته‌ای که در این روایت در شیوه جنگ و فرماندهی دیده می‌شود این است که فرمان را در نامه‌ای سربسته مرقوم فرمودند و اجازه گشودن آن را تا دو روز ندادند و وقتی باید نامه گشوده شود که افراد در منطقه و موقعیت قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری

در جنگ‌های صدر اسلام اتفاقات بسیار زیادی به وقوع می‌پیوندد که هر کدام به تنهایی قابلیت بررسی و برداشت‌الگویی دارد. با توجه به جبهه‌های مختلف از قبیل جنگ‌های سرد و رسانه‌ای، جنگ‌های نامنظم و پارتیزانی، جنگ‌های اقتصادی و... که در زمان کنونی در جای جای ملل اسلامی وجود دارد، لزوم رویکرد تحلیل‌گرایانه و جزئی‌تر امت اسلامی به این قبیل مسائل را می‌طلبد؛



لذا در این تحقیق از لابلای این وقایع نکات راهبردی و تصمیمات کلیدی اتخاذ شده مانند توجه به روحیات رزمندگان، مقابله با شایعات، داشتن تعدد مراکز اطلاعاتی، واقع‌گرایی در تحلیل اتفاقات توسط رزمندگان، مقابله با جنگ روانی، حفظ اسرار و... مورد توجه قرار گرفته است که بررسی آن می‌تواند صاحب نظران متشکل از کارشناسان دینی و نظامی را در کشف راهبردهای جنگی کمک نماید.  
انشاء...



#### فهرست منابع

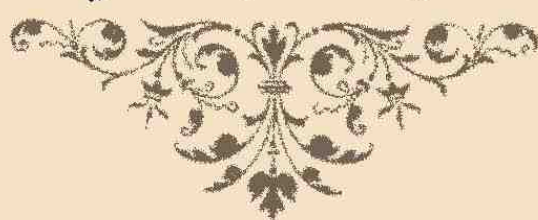
- ۱) پژوهشکده تحقیقات اسلامی (جمعی از نویسندگان)، همان، ص ۸۷.
- ۲) مغازی واقدی، همان، ص ۱۵۱.
- ۳) نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۴) عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، درس‌هایی از نظام دفاعی اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳ش، ص ۷۲.
- ۵) حباب بن منذر بن جموح انصاری خزرجی سلمی از صحابیان شجاع و دلاور صدر اسلام است که در جنگ‌های بسیاری در رکاب پیامبر اسلام حضور داشت.
- ۶) مغازی واقدی، همان، ص ۱۵۱.
- ۷) همان.
- ۸) مجتبی تونه‌ای، فرهنگ جامع الفبایی تاریخ و جغرافیای مکه و مدینه، ص ۳۱۱.
- ۹) در زمان کنونی اینگونه وظایف را رکن ۲ اطلاعات در ارتش بر عهده دارد.
- ۱۰) محمدباقر محقق، نمونه بینات در شان نزول آیات، ج ۱، ص ۶۳۵.
- ۱۱) تاریخ یعقوبی، همان، ص ۴۰۵.
- ۱۲) همان، ص ۴۰۶.



# بررسی صالح المومنین در قرآن بارو یکد آیه ۴ سوره تحریم

طلبه فارغ التحصیل

خدیجه ساپوته



## چکیده

صالح المومنین به معنای بهترین مومنان یا مومنان شایسته، در آیه ۴ سوره تحریم ذکر شده است. در مورد مصداق صالح المومنین اقوال مختلفی در تفاسیر شیعه و اهل سنت بیان گردیده که هدف اصلی این مقاله، بررسی آن در آیه شریفه و تبیین دیدگاه‌های مختلف مفسرین فریقین در مورد مصداق صالح المومنین بر اساس روایات تفسیری و احادیث مربوطه و تطبیق این دیدگاه‌ها می‌باشد. روش تحقیق، توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای تفسیری و روایی از عالمان و مفسران شیعه و اهل سنت می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مورد مصداق صالح المومنین سه دیدگاه کلی وجود دارد. برخی از مفسرین شیعه و سنی همه افراد باایمان را مصداق صالح المومنین می‌دانند، برخی نیز امیرالمومنین علیه السلام و برخی دیگر ابوبکر و عمر را مصداق آن معرفی می‌کنند. از بررسی دیدگاه مفسرین فریقین این نتیجه حاصل می‌شود که قوی‌ترین و مشهورترین قول از میان اقوال آن است که مصداق حقیقی صالح المومنین، امام علی علیه السلام می‌باشد که شاهد آن، روایات بسیاری است که در منابع شیعه و سنی نقل شده است.

کلیدواژه: صالح، مومن، صالح المومنین، آیه ۴ سوره تحریم.



در طول حیات پربرکت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و اله حوادث و اتفاقات بسیاری رخ داده است که منشأ نزول آیات قرآن می باشد و بر اساس آن، احکام، قوانین و یا نکته هایی را بیان نموده تا تمامی مسلمانان و مومنان در اعصار مختلف بتوانند از آن ها بهره مند شوند. یکی از نکاتی که در آیات قرآن به آن تذکر داده است، پشتیبانی و حمایت خداوند از پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و اله در مقابل دشمنان، منافقان، توطئه ها، آسیب ها و... است که پیوسته به آن گوشزد نموده و بر آن تأکید کرده است. از جمله آیه ۴ سوره تحریم که خداوند در برابر دسیسه ای که دو تن از همسران پیامبر صلی الله علیه و اله نسبت به حضرت ترتیب دادند، از رسول خود حمایت کرده و برای تأکید بیشتر بر این حمایت و پشتیبانی، در کنار حمایت الهی از پشتیبانی فرشتگان، جبرئیل و صالح المومنین نام برده است.



پرداختن به موضوع صالح المومنین از جهاتی ضروری و مهم می نماید. اولین جهت آن، تبیین مصداق صالح المومنین طبق نظر مفسرین شیعه و اهل سنت و استناد به روایات تفسیری و احادیثی است که ذیل آیه شریفه و در مورد شأن نزول این آیه و صالح المومنین بیان گردیده است که اکثر مفسرین فریقین بر این مساله اتفاق نظر دارند که منظور از صالح المومنین، امام علی علیه السلام است که در طول حیات پربرکت خود تا زمان رحلت پیامبر اسلام، پیوسته حامی و پشتیبان ایشان بوده و در سخت ترین لحظات زندگی پیامبر، به دفاع از ایشان و اسلام و دین خدا پرداخته است و پس از رحلت وجود مقدس پیامبر نیز، در استواری دین خدا و نگهداشتن سیره واقعی پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله استوار مانده است.

همچنین بررسی واژه صالح المومنین در آیه ۴ سوره تحریم و بررسی اقوال مختلف پیرامون مصداق آن در روایات، نشان از والایی جایگاه امیرالمومنین علیه السلام نزد خداوند دارد، چرا که از ایشان به عنوان صالح المومنین (صفتی که در قرآن برای پیامبران ذکر شده) در قرآن یاد شده و در زمره کسانی قرار گرفته اند که در کنار فرشتگان، جبرئیل و خداوند، از پیامبر خدا پشتیبانی و حمایت می کنند.



## ۱- معناسناسی

مفهوم شناسی واژگان اصلی تحقیق، بسیاری از مفاهیم پرکاربرد در این تحقیق را روشن نموده و زمینه طرح مباحث اصلی را فراهم می نماید. به همین منظور ابتدا به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی صالح، مومن و صالح المومنین پرداخته می شود.

### ۱-۱- صالح

صالح از ریشه «صَلَحَ» و در لغت، ضد فساد و تباهی و به معنای صلاح و خوبی، مسالمت و سازش است. و در اصطلاح، صالح به معنای شخص شایسته ای است که در اعمال و امورش به دنبال خوبی و درستکاری است و در اعمال او فساد وجود ندارد.

### ۱-۲- مومن

مومن از ریشه «أَمِنَ» در لغت ضد خوف و به معنای امنیت، سکون، آرامش خاطر و نفس و از بین رفتن خوف، وحشت، اضطراب، بیم و هراس می باشد و ایمان، ضد کفر و به معنای تصدیق و باور قلبی است و در اصطلاح، مومن کسی است که ایمانش به مرتبه تصدیق قلبی رسیده و عملش همراه با اطمینان، انقیاد و خضوع باشد.

### ۳- صالح المومنین

با توجه به مفهوم شناسی صالح و مومن، اصطلاح صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ به معنای بهترین مؤمنان یا مؤمنان شایسته می باشد، این واژه برگرفته از آیه چهارم سوره تحریم، به عنوان فردی معرفی شده است که به همراه خداوند، جبرئیل و دیگر فرشتگان از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پشتیبانی می کند.

### ۱-۴- آیه ۴ سوره تحریم

خداوند در این آیه در مورد صالح المومنین می فرماید: «إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» اگر شما دو زن توبه کنید بهتر است، زیرا دلهایتان از حق باز گشته است و اگر برای آزارش همدست شوید، خدا یاور اوست و نیز جبرئیل و مؤمنان شایسته و فرشتگان از آن پس یاور او خواهند بود.



صغت از «صغو» به معنای میل است که در اینجا منظور میل به باطل و خروج از حالت استقامت و تمایل به انحراف است.

کلمه «تظاهر» به معنای پشت به پشت هم دادن و کمک کردن است.

کلمه «مولی» به معنای ولی و سرپرستی است که عهده دار امر متولی علیه باشد و او را از هر خطری که تهدیدش کند، یاری نماید.

به اتفاق نظر مفسرین شیعه و اهل سنت، عبارت «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ» خطاب به عایشه و حفصه است. به گونه ای که در صحیح مسلم آمده است که ابن عباس از عمر پرسید از میان همسران پیامبر کدام دو زن بودند که به آن ها فرمود: «اگر توبه کنید دل هایتان به حق تمایل پیدا کرده است؟» عمر گفت: این دو زن، عایشه و حفصه بودند.

بر این اساس، معنای آیه چنین است که اگر این دو زن، توبه کردند و اصلاح شدند، دلشان به فرمان خدا تمایل پیدا کرده است، اما اگر همچنان بر همکاری با یکدیگر علیه پیامبر پای فشردند، خدا دوست و یاور اوست و نیز جبرئیل و تمامی فرشتگان و صالح المومنین او را کمک و پشتیبانی خواهند کرد.

در شأن نزول این آیه روایات زیادی در کتب تفسیر، حدیث و تاریخ شیعه و اهل سنت نقل شده است. روایت مشهور آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی که نزد زینب بنت جحش (یکی از همسرانش) می رفت؛ زینب او را نگاه می داشت و از عسلی که تهیه کرده بود خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می آورد، این مساله بر عایشه گران آمد و می گوید: من با حفصه، قرار گذاشتیم که هر وقت پیامبر صلی الله علیه و آله نزد یکی از ما آمد به ایشان بگوییم آیا صمغ مغایر خورده ای؟! (مغایر صمغی بود که بوی نامناسبی داشت) و پیامبر صلی الله علیه و آله دوست نداشت که بوی نامناسبی از دهان یا لباسش استشمام شود بلکه می خواست همیشه خوشبو و معطر باشد! بنابراین روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد حفصه آمد، او این سخن را به ایشان گفت و حضرت فرمود:



من مغایر نخورده‌ام، بلکه عسلی نزد زینب بنت جحش نوشیدم، و من سوگند یاد می‌کنم که دیگر از آن عسل ننوشم، ولی این سخن را به کسی مگو. ولی حفصه این راز را افشا کرد و بعد معلوم شد اصل این قضیه، توطئه بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله سخت ناراحت شد و آیه فوق نازل گشت و ماجرا را چنان پایان داد که دیگر این گونه کارها در درون خانه پیامبر صلی الله علیه و آله تکرار نشود.

در بعضی از روایات نیز آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از این ماجرا یک ماه از همسران خود کناره گیری کرد، و حتی شایعه تصمیم آن حضرت نسبت به طلاق آن‌ها منتشر شد، به طوری که سخت به وحشت افتادند، و از کار خود پشیمان شدند. این آیه نشان می‌دهد که توطئه این دو همسر چقدر در قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله تأثیر منفی گذاشته است که خداوند این همه از ایشان دفاع می‌کند و دلداری می‌دهد. زیرا حمایت خودش کافی بود ولی برای تأکید، حمایت جبرئیل، صالح المومنین و فرشتگان را هم بر آن ضمیمه کرده است.

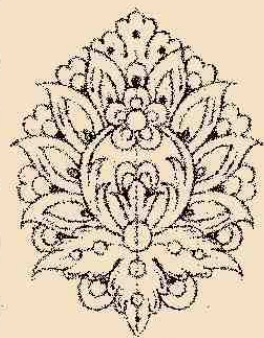
## ۲- مصادیق صالح المومنین

در مورد این که مصداق صالح المومنین چه کسی یا چه کسانی هستند، میان عالمان و مفسران شیعه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد که در این قسمت با توجه به اقوال مفسرین شیعه و سنی و روایاتی که به آن استناد داده اند، مصادیق صالح المومنین ذکر می‌شود:

### ۲-۱- همه مومنین

برخی از مفسران اهل سنت و شیعه، صالح را اسم جنس دانسته و نتیجه گرفته‌اند که شامل همه مؤمنان صالح، باتقوا و کامل‌الایمان می‌شود که امام علی علیه السلام کامل‌ترین مصداق آن می‌باشد.

طبق نظر این گروه از مفسرین، «صالح المومنین» همه افراد با ایمان، شایسته و صالح و درستکار را شامل می‌شود که یار و یاور پیامبرند، نه تنها اصحاب و یاران صالحی که در عصر او بودند بلکه از یک نظر، مؤمنان صالح قرون و اعصار دیگر را نیز در بر می‌گیرد که هر کدام به نوعی به یاری اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و مکتبش بر می‌خیزند؛ ولی



در خصوص

مصداق

صالح المومنین

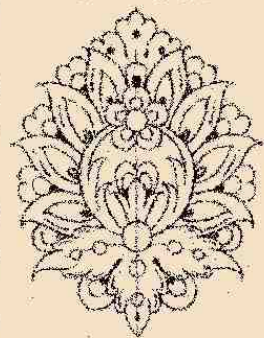
میان عالمان

و مفسران شیعه

و اهل سنت

اختلاف نظر

وجود دارد





مهم اینجا است که در روایات متعدد «صالح المؤمنین» به امام علی علیه السلام تفسیر شده است و نشان می دهد که او برترین و کامل ترین مصداق این آیه است و با توجه به این که در کنار جبرئیل قرار گرفته، عظمت مقام او و اهمیت این فضیلت به خوبی آشکار می شود.

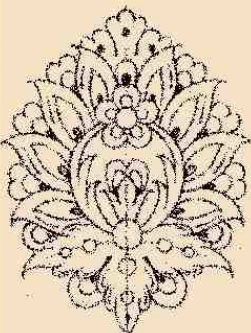
بنابراین طبق نظر این گروه از مفسرین، صالح المومنین شامل همه افراد باایمان از صدر اسلام تاکنون می شود و معتقدند روایاتی که در مورد امیرالمومنین علیه السلام به عنوان مصداق صالح المومنین آمده نشان می دهد که ایشان کامل ترین مصداق آن می باشند.

## ۲-۲- امیرالمومنین علی علیه السلام

برخی از مفسرین و عالمان شیعه و اهل سنت معتقدند که این واژه فقط بر یک شخص قابل صدق است و آن، امیرالمومنین علی علیه السلام است.

علامه طباطبایی معتقد است معنای «صالح المؤمنین» غیر از معنای «الصالح من المؤمنین» است و فقط ترکیب دوم است که به دلیل داشتن «الف» و «لام» بر سر کلمه صالح اسم جنس است و افاده عموم می کند؛ ولی صالح المؤمنین جنسیت و عمومیت را نمی رساند و معتقد است این سخن درست نیست که صالح مفرد آمده ولی معنای جمع از آن اراده کرده است، صاحب این قول مضاف به جمع، یعنی صالح المؤمنین را با مفرد دارای الف و لام مقایسه کرده و گمان نموده همان طور که مفرد دارای الف و لام، جنس را می رساند، مضاف به جمع هم همین طور است، در حالی که چنین نیست و ظاهر «صالح المؤمنین» معنایی است غیر آن معنایی که عبارت «الصالح من المؤمنین» آن را افاده می کند؛ دومی افاده جنس می کند، ولی اولی جنسیت و کلیت را نمی رساند.

همچنین به گفته علامه مجلسی، عالمان شیعه و به گفته علامه حلی، مفسران اتفاق نظر دارند که صالح المؤمنین، امام علی علیه السلام است. مستند آنان روایاتی است در منابع شیعه و اهل سنت است که امام علی علیه السلام را تنها مصداق آن معرفی کرده است و درباره علت آن گفته اند که صالح المؤمنین باید بهترین مؤمنان و معصوم باشد؛ چون همراه جبرئیل و دیگر فرشتگان آمده است.



حضرت

امیرالمومنین

علیه السلام

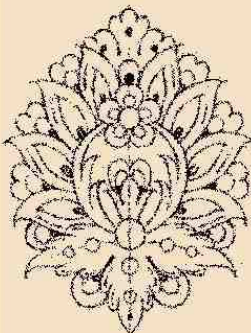
به عنوان

کامل ترین

مصداق صالح

المومنین

می باشند





در ادامه به برخی از این احادیث که در منابع شیعه و اهل سنت به آن‌ها استناد شده است، اشاره می‌گردد.

در کتاب‌های روایی و تفسیری شیعی و در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» صالح مؤمنان، علی بن ابی طالب است.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، دو بار علی علیه السلام را به یاران خود معرفی کرد: یک بار زمانی بود که فرمود: «هر کسی که من مولای اویم، علی، مولای اوست» و بار دوم، هنگامی بود که این آیه نازل شد: (در حقیقت، خدا خود، یاور اوست و جبرئیل و صالح مؤمنان...). پیامبر خدا دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «ای مردم! این، صالح مؤمنان است.»

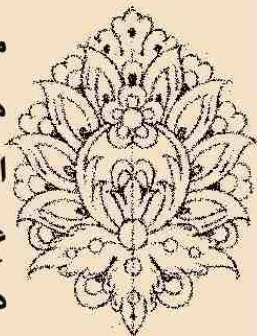
همچنین در زیارتی که برای امام علی علیه السلام از امام باقر علیه السلام نقل شده، آمده است: «السَّلَامُ عَلَيَّ صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ وَاثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ» سلام بر برگزیده مؤمنان و وارث دانش پیامبران.

در زیارت امام حسین علیه السلام نیز می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ» سلام بر فرزند برگزیده مؤمنان.

در کتاب‌های روایی و تفسیری اهل سنت نیز روایاتی در این باره ذکر شده که برخی از آن‌ها با روایات شیعه مشترک است و برخی نیز در منابع اهل سنت ذکر شده است.

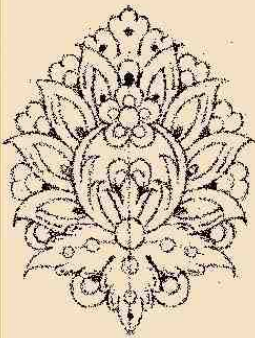
از جمله، حاکم حسکانی حنفی ذیل آیه ۴ سوره تحریم، هیجده حدیث از طرق مختلف نقل می‌کند که منظور از «صالح المؤمنین» علی بن ابیطالب علیه السلام است. به عنوان نمونه، اسماء بنت عمیس نقل می‌کند که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شنیدم می‌فرمود: «صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» صالح المؤمنین علی بن ابیطالب است.

همچنین از ابن عباس نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: «هُوَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ» او است صالح المؤمنین.





همچنین در روایتی دیگر از عمار یاسر آورده است که از امام علی علیه السلام شنید که فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا فرا خواند و فرمود: أَلَا أُبَشِّرُكَ؟ قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ مَا زِلْتَ مُبَشِّرًا بِالْخَيْرِ! قَالَ: قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ قُرْآنًا، قُلْتُ وَ مَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ قُرْنَتْ بِجِبْرِئِيلَ ثُمَّ قَرَأَ: وَ جِبْرِئِيلَ وَ صَالِحَ الْمُؤْمِنِينَ...» آیا تو را بشارت بدهم؟ عرض کردم آری ای رسول خدا، تو همیشه بشارت دهنده به خوبی ها بودی، فرمود: خداوند درباره تو آیه ای نازل کرده و برای تو قرینی برشمرده است، عرض کردم کدام همتا؟ فرمود: تو قرین و هم ردیف جبرئیل شده ای، سپس این آیه را قرائت فرمودند: «وَ جِبْرِئِيلَ وَ صَالِحَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ همچنین همین روایت و مضمون از حدیفه، سلمان فارسی، ابن سیرین و ... در این کتاب نقل گردیده است.



برسویی در تفسیر «روح البیان» بعد از نقل اقوال در ذیل این آیه، از جمله قول مجاهد که منظور از صالح المؤمنین، علی علیه السلام است می گوید: «يُؤَيِّدُهُ قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» تایید این سخن، حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمود: ای علی تو نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی علیه السلام هستی. سپس آیات متعددی را نقل می کند که خداوند واژه صالحین را در قرآن مجید بر پیامبران بزرگ اطلاق فرموده و نتیجه می گیرد هنگامی که علی علیه السلام به منزله پیامبر خدا هارون باشد، شایسته عنوان صالحین است.

برخی دیگر از مفسرین شیعه و اهل سنت نیز این عقیده را مطرح کرده و از جمله آیاتی که به آن استناد می کنند آیات «وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ» و آیه «أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» می باشد که معتقدند هنگامی که علی علیه السلام به منزله هارون باشد، او نیز مصداق صالح است.

در کتاب «الدر المنثور» از سیوطی، ذیل آیه ۴ سوره تحریم از «ابن عباس» و «اسما بنت عمیس» مشابه احادیث بالا نقل شده است.

ابن مغازلی در کتاب «مناقب» خود روایتی آورده و نظر «مجاهد» در مورد آیه را بیان نموده و مصداق صالح المومنین را، علی علیه السلام دانسته است.



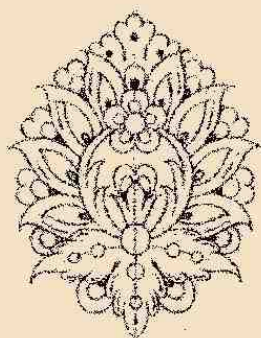
عالم دیگر اهل سنت، ابن حجر هیثمی هم در مورد صالح المومنین در این آیه نقل می‌کند که در روایات نبوی و روایاتی که از تابعین نقل شده، آمده است که مصداق صالح المومنین، امیرالمومنین علیه‌السلام است.

اما در مقابل، ابن تیمیه از علمای اهل سنت که تفکر وهابیت از نظرات وی نشأت می‌گیرد و پیوسته می‌کوشد فضایل امیرالمومنین علیه‌السلام را رد نماید، در این مورد نیز معتقد است این آیه دلیلی بر افضلیت علی علیه‌السلام ندارد و معتقد است چیزی که گفته شده، ثابت نمی‌کند که آیه مخصوص علی علیه‌السلام است و این سخن از جانب کسی که حرفش مورد قبول باشد نقل نگردیده است، و حدیثی که بیان می‌کند علی علیه‌السلام مصداق صالح المومنین است، دروغ و ساختگی است.

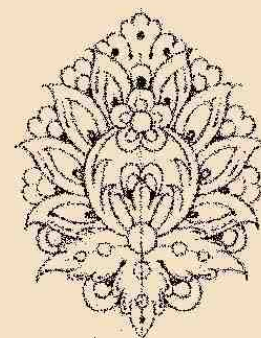
اما روایات بسیاری که در منابع اهل سنت و شیعه در مورد این آیه شریفه و اختصاص مصداق صالح المومنین به امام علی علیه‌السلام ذکر شده و برخی از آن‌ها در این قسمت از تحقیق ارائه گردید، این ادعای ابن تیمیه را به کلی رد می‌کند.

۲-۳- امام علی علیه‌السلام، ابوبکر و عمر برخی از مفسران اهل سنت معتقدند علی علیه‌السلام، ابوبکر و عمر از مصادیق صالح المومنین هستند، اما مصادیق آن، در این افراد منحصر نیست. همچنین معتقد است ابن عساکر، ابوبکر و عمر را مصداق صالح‌المؤمنین دانسته است؛ چراکه این دو، دختران خود عایشه و حفصه را که از همسران پیامبر بودند، از اذیت و آزار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌باز می‌داشتند. همچنین برپایه روایاتی که در منابع اهل سنت نقل شده، ابوبکر و عمر، یا عمر به‌تنهایی مصداق صالح‌المؤمنین معرفی شده‌اند. البته سند این روایات ضعیف شمرده شده است.

۳- تطبیق دیدگاه‌های مختلف مفسرین در مورد صالح المومنین با توجه به مطالبی که از منابع روایی و تفسیری اهل سنت و شیعه در قسمت قبل در مورد مصداق صالح المومنین در آیه ۴ سوره تحریم بیان گردید، دیدگاه‌های مختلفی از عالمان و

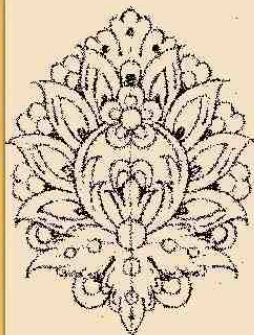


در روایات  
بسیاری در منابع  
اهل سنت،  
مصداق  
صالح المومنین  
حضرت علی  
علیه‌السلام ذکر  
شده است





مفسرین شیعه و اهل سنت در این باره وجود دارد که در این قسمت بررسی تطبیقی صورت می گیرد. برخی از مفسران شیعه و اهل سنت بر این عقیده هستند که منظور از صالح المومنین همه افراد باایمان است و تمام افراد مومن در سراسر تاریخ اسلام را شامل می شود که طبق نظر برخی از آن ها، با استناد به روایاتی که در مورد امام علی علیه السلام به عنوان مصداق صالح المومنین آمده است، ایشان کامل ترین مصداق به شمار می روند. اما برخی دیگر از عالمان و مفسرین شیعه و اهل سنت که به ادعای علامه مجلسی و علامه حلی، شامل اکثر آن ها می شود، معتقدند که مصداق صالح المومنین در آیه ۴ تحریم، کسی به جز امیرالمومنین علی علیه السلام نیست و در منابع روایی و تفسیری فریقین، روایات و احادیث بسیار فراوانی در این باره ذکر شده است و برخی از این روایات، به طور مستقیم به این مساله اشاره دارند که منظور از صالح المومنین در آیه ۴ سوره تحریم، امام علی علیه السلام هستند. تنها کسی که با این نظریه مقابله کرده و آن را ساختگی می پندارد ابن تیمیه است که با توجه به سیره رفتاری وی نسبت به امیرالمومنین علیه السلام و همچنین فراوانی روایات در تایید امیرالمومنین به عنوان مصداق صالح المومنین و همچنین ذکر این احادیث در منابع اهل سنت، نظریه وی رد می شود. دیدگاه دیگری که درباره مصداق صالح المومنین وجود دارد و بسیار نادر می باشد آن است که در برخی منابع اهل سنت آمده است که منظور از صالح المومنین در آیه ۴ تحریم، علی بن ابی طالب علیه السلام، ابوبکر و عمر هستند و در برخی منابع دیگر، تنها ابوبکر و عمر را نام برده است که البته این نکته را نیز تذکر داده که مصداق صالح المومنین تنها در این افراد خلاصه نمی شود. از بررسی تطبیقی نظرات مختلفی که از عالمان و مفسران شیعه و اهل سنت در مورد مصداق صالح المومنین در آیه ۴ تحریم ذکر شد می توان نتیجه گرفت که اکثریت علمای اهل سنت و شیعه معتقدند که مصداق صالح المومنین، امیرالمومنین علی علیه السلام است و این نظریه از نظر استدلال و استناد به روایات از قدرت و قوت بیشتری





نسبت به دیگر دیدگاه‌ها برخوردار می‌باشد. چرا که اولاً با روایات و احادیث مختلف و فراوانی که امام علی علیه السلام را مصداق صالح المومنین ذکر کرده‌اند، در کتب تفسیری و روایی خود این مساله را اثبات نموده و بر آن استدلال کرده‌اند. ثانیاً دلیل علامه طباطبایی بر این مساله که عبارت «صالح المومنین» افاده جمع نمی‌کند و بر اسم جنس دلالت ندارد، قابل توجه می‌باشد. و در نهایت می‌توان گفت این نظریه که مصداق حقیقی صالح المومنین، امیرالمومنین علی علیه السلام است، نظریه برگزیده می‌باشد.

نتیجه‌گیری

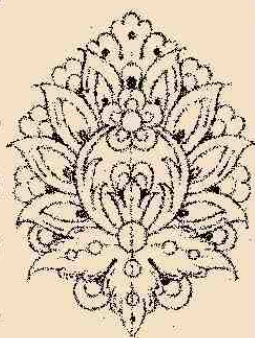
با بررسی آیه ۴ سوره تحریم که در آن واژه صالح المومنین آمده است، می‌توان مباحثی را مطرح نمود:

۱- این آیه شریفه طبق نظر مشهور، در مورد دو تن از همسران پیامبر صلی الله علیه و اله یعنی عایشه و حفصه نازل شده است که با طرح نقشه‌ای موجب آزار و اذیت رسول مکرم اسلام شده و آن حضرت نیز تصمیم به کناره‌گیری از آنان گرفتند که این مساله موجب شد خداوند این آیه را نازل کرده و آن دو زن را به توبه فراخوانده و به آن‌ها گوشزد نماید که اگر بخواهید علیه پیامبر توطئه نمایید، خداوند، جبرئیل، ملائکه و صالح المومنین پشتیبان او هستند و از او حمایت می‌کنند.

۲- در مورد این که مصداق صالح المومنین چه کسی است نظرات مختلفی میان علما و مفسرین شیعه و اهل سنت وجود دارد که نظر مشهور آن است که مصداق صالح المومنین طبق روایات فراوان و متعددی که وجود دارد، امیرالمومنین علی علیه السلام می‌باشد.

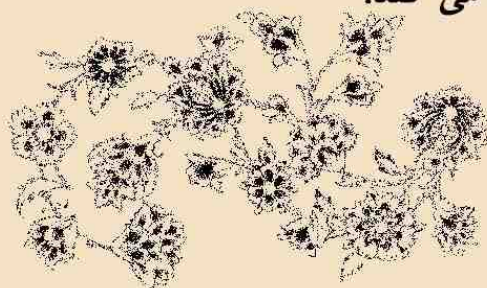
۳- طبق نظر برخی از مفسرین شیعه و اهل سنت، صالح المومنین اسم جنس می‌باشد و مصداق آن، همه افراد باایمان در همه اعصار و دوران‌های مختلف هستند که وجود برخی روایات در مورد امام علی علیه السلام نشان می‌دهد ایشان کامل‌ترین مصداق آن هستند.

۴- برخی از علمای اهل سنت نیز این نظریه را مطرح کرده‌اند که برخی روایات، مصداق صالح المومنین را ابوبکر و عمر دانسته‌اند.





۵- با بررسی و تطبیق دیدگاه های علما و مفسرین فریقین، می توان گفت که از میان اقوال مطرح شده در مورد مصداق صالح المومنین، قوی ترین، مستدل ترین و مشهورترین آن همان است که مصداق صالح المومنین را امیرالمومنین علی علیه السلام می داند. چرا که اولاً طبق نظر علامه طباطبایی، کلمه صالح مانند الصالح نیست که افاده جمع و عمومیت نماید. ثانیاً روایات و احادیثی که ذیل آیه ۴ سوره تحریم در مورد شأن نزول آیه شریفه و مصداق صالح المومنین ذکر شده و همچنین روایاتی که به وفور در مورد ایشان به عنوان صالح المومنین در منابع شیعه و اهل سنت آمده است، این موضوع را اثبات می نماید و عقیده کسانی همچون ابن تیمیه را که این مساله را ساختگی می پندارند و یا آن را عمومیت به همه افراد باایمان می دهند، رد می کند.



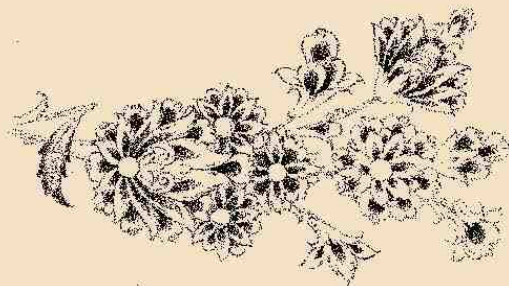
### فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق)، الامالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۲. ابن شهر آشوب، محمدبن علی، مناقب، تصحیح محمدحسین آشتیانی و هاشم رسولی، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن مغزلی، مناقب، قم: سبط النبی، ۱۴۲۶ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح احمد فارس، ج ۳، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۵. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهره، تصحیح حسین استادولی، قم: اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۶. اندلسی، ابوحيان محمد بن يوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۷. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۸. بحرانی، هاشم، تفسیرالبرهان، قم: بعثت، بیتا.
۹. بخاری، صحیح، بیجا: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق.
۱۰. برسویی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، بیروت، بیتا.
۱۱. بهرام پور، ابوالفضل، تفسیر نسیم حیات، تهران: آوای قرآن، ۱۳۹۷.
۱۲. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران: وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق.
۱۳. حویزی، عبدالعلی، تفسیر نور الثقلین، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.



۱۴. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسين عليه السلام، قم: انوارالهدی، ۱۴۲۳ق.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه مفردات الفاظ قرآن، به کوشش غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۲.
۱۶. سید بن طاووس، سیدعلی، سعد السعود للنفوس منضود، قم: چاپ محمدکاظم الکتبی، بیتا.
۱۷. سیدقطب، فی ضلال القرآن، بیروت: دارالشروق، ج ۱۷، ۱۴۱۲ق.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدرالمثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۹. شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
۲۰. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۲۴. عقیلی، عبدالرحمن، منهاج السنه المحمديه فی الرد علی منهاج ابن تیمیه، کربلا: العتبه الحسينیه المقدسه، ۱۴۳۵ق.
۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، منهاج الکرامه فی معرفه الامامه، مشهد: مؤسسه عاشورا، ۱۳۷۹.
۲۶. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، قم: الهادی، ۱۴۱۶ق.
۲۷. قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۲۸. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح طیب موسوی جزائری، ج ۳، قم: دارالکتب، ۱۴۰۴ق.
۳۰. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تصحیح محمد کاظم، تهران: وزارت ارشاد، ۱۴۱۰ق.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۲. محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت: آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۳۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۳۴. مغنیه، محمدجواد، تفسیرالکاشف، قم: اسلامی، ۱۳۸۳.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان، پیام قرآن، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۱.
۳۷. موسوی خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.
۳۸. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۳۹. هیثمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، قاهره: مکتبه القاهره، ۱۳۸۵ق.





# نقش تربیت معنوی در کاهش شکاف نسلی با تکیه بر

دعای ۲۴ و ۲۵ صحیفه سجادیه

پژوهشگر و دانشیار  
دانشگاه امام صادق علیه السلام

نیکو دیالو

نشست علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام (واحد خواهران)

قسمت دوم

اشاره:

در شماره قبلی نشریه به قسمت اول سخنان خانم دکتر دیالمه در این نشست پرداخته شد و برای یادآوری نکات مهم بخش ابتدایی ارائه ایشان، در ادامه به ذکر نکاتی پرداخته می شود:

همان طور که ذکر شد تربیت عبارت است از هرگونه اقدام هدایتگرانه از جانب مربی که برای اظهار، ابقا و اکمال استعدادهای ادراکی، گرایشی، ارادی و عملی متربی صورت گیرد. نکته مهم در تربیت اسلامی بحث خودتربیتی است چرا که والدین، مدرسه، اجتماع و رسانه ها هر کاری در ارتباط با تربیت انسان انجام دهند تا پشت دیوار اراده انسان قدرت پیشروی دارند به همین علت مدیریت و تربیت خود نقش مهمی را در تربیت هر انسانی داراست. در خصوص تربیت، انس با دعا ابزاری بسیار کارآمد است زیرا دعا یک فرآیند تربیتی-آموزشی و یک تجربه زیستی معنوی تفکرمحور می باشد که خو گرفتن با آن موجب بالندگی بشر می گردد. همین طور بیان شد که میان نسل های مختلف بشری روابطی وجود دارد که یکی از خطرناک ترین آن ها شکاف و گسست نسلی است و بیان شد که چگونه دعا



موجب پیشگیری از گسست و شکاف نسلی می شود. پس از این مقدمه دکتر دیالمه وارد بحث دعای در حق فرزندان و دعای در حق والدین از صحیفه سجادیه شدند و نکات مهمی را بیان نمودند که در شماره پنجم از نشریه گذشت.

در قسمت دوم از سخنان خانم دکتر دیالمه، ایشان به ذکر نتایج مهم از بحث و ارائه چند راهکار عملی در خصوص بهبود روابط میان والدین و فرزندان پرداختند:

اما نتایجی که از این بحث گرفته می شود عبارت اند از این که دعاهای ۲۴ و ۲۵ صحیفه سجادیه نمادی از تحقق یک رابطه خوب والد-فرزند از نگاه خداوند است. حال رابطه خوب والد-فرزند در نگاه اسلام چه شاخصه هایی دارد؟

۱. هدفمند است؛ این اهداف عبارت اند از: عبودیت، حیات طیبه، ارتباط وسیع با خداوند تبارک و تعالی (پرورش ایمانی فرزند). والدین طی تعامل مداوم در جهاد تربیت و انس با دعا در حق فرزند، در یک رابطه صمیمی با فرزند قرار می گیرند چون خود دعا کردن در حق کسی نشان از محبت به اوست.

۲. در هر کدام از این دعاها یک وضعیت مطلوب تعریف شده است که ما با بالعکس کردن آن وضعیت مطلوب، می توانیم مسئله های این رابطه و مشکلات خانواده در رابطه والد-فرزندی را کشف کنیم.

۳. با تقویت فضای معنوی و مرور فضای مطلوب در دعا، والدین معتقدی که با این تراش شیعی انس دارند نمی تواند اولویت اول آن ها در ارتباط با فرزندشان، صرفاً نمره کنکور او باشد بلکه اولویت ها و مطلوبات والدین طبق موازین شیعی تنظیم می شود. بنابراین انس والدین و فرزندان با وضعیت های مطلوب ترسیم شده در دعا، موجب جلوگیری از شکاف نسلی میان خانواده ها می گردد. مثال قابل توجه این که در خانواده هایی که دچار شکاف نسلی شناختی هستند دیده می شود که فرزندان ارتباط خوبی با والدین ندارند اما با پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها

شاخصه مهم  
در خصوص  
رابطه مطلوب  
والد-فرزند  
هدفمند بودن  
آن است.



انس والدین  
با دعای در  
حق فرزندان  
از صحیفه  
سجادیه،  
موجب تنظیم  
اولویت های  
آن ها در امر  
تربیت فرزند  
می گردد.



صمیمی هستند. در چه موقعیت هایی این فرزند گسسته از خانواده به آن ها مراجعه می کند؟  
وقتی که نیاز معنوی دارد و می خواهد کسی برای گره زندگی او دعا کند.

۴. در صورت خودسپاری به سیستم تربیتی اسلام به ویژه زیست معنوی-شیعی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام تعریف شده است که اساس آن دعا و این گونه صحبت کردن با خداست، تفاوت نسلی هرگز به شکاف نسلی دچار نمی شود بلکه برعکس تفاوت نسلی در کنار یک رابطه مطلوب قرار می گیرد که این تفاوت نسلی لازمه حیات بشری است و این ارتباط خوب از رهگذر ارتباط با خداست آن هم به سبک اهل بیت علیهم السلام حاصل می شود یعنی این فرد از گسست و بی توجهی به والدین مانعی در درونش ایجاد می شود که از مطلوب های ارتباطی فاصله نگرفته و شکاف را مهار کند.

برای حسن ختام چند پیشنهاد عملی ارائه می شود که متخصصین در حوزه های مختلف روانشناسی، علوم و معارف اسلامی و علوم تربیتی باید روی آن ها کار اساسی انجام دهند:

- والدین باید با فرزند خردسالشان درباره آرزوها و یا خواسته هایشان از خداوند صحبت کنند. این که والد از خدا برای فرزند چه چیزهایی می خواهد و یا اول از فرزند پرسیم که درباره ما از خدا چه می خواهد؟ باز کردن باب چنین گفتگویی موجب ایجاد یک فضای معنوی می شود. این به نوعی تربیت غیرمستقیم توحیدی است چرا که حضور مستمر الهی در زندگی و اراده خدا در اجابت انسان به فرزند تعلیم داده می شود. البته جزئیات باید متناسب با سن و ادراک کودک طراحی شود اما با استفاده از مضامین دعا.

- مادران جوان هنگام تولد فرزند برگرفته از مطلوبات این دعا نامه ای برای فرزندشان بنویسند و بعد به فرزندشان بگویند: این طور نیت کردم و هدف قرار دادم که تو چنین انسانی بشوی و وقتی بزرگ شد نامه را به فرزند بدهند. این کار بر فرزند بسیار تاثیرگذار است.

- داشتن برنامه منظم دعایی در منزل با شرکت فرزندان و یا بدون شرکت آن ها ؛ مهم این است که فرزندان بدانند در این روز و ساعت در منزل، والدین برنامه دعا دارند؛ مانند خواندن دعای کمیل در شب های جمعه.

- نهادهای آموزشی و پرورشی زمانی را برای دعای فرزندان در حق والدین قرار دهند. استفاده از بستر دعا موجب زیست معنوی به سبک اهل بیت علیهم السلام می شود و تاثیر تربیتی مطلوبی را در بر دارد.

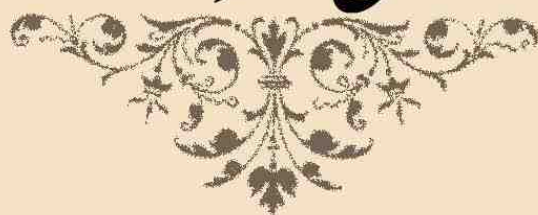




## مسح مشروط

اشرف صفری

استاد حوزه



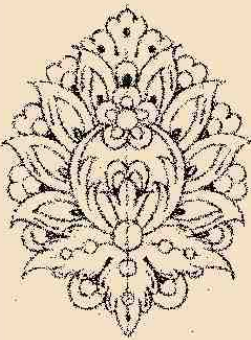
حاج شیخ فضل الله نوری از علمای طراز اول تهران در عصر مشروطه بود. فضیلت علمی او بر کسی پوشیده نیست. اوی مورد وثوق میرزای شیرازی بود و ایشان شیخ را نفس خود می خواندند.<sup>۱</sup> سوالات جدی پیرامون واقعه مشروطه وجود دارد. از قبیل:

واقعه مشروطه «انقلاب» بود یا «فتنه»؟ چه شد که عالم روحانی وارسته، شهید حاج شیخ فضل الله نوری به دار آویخته شد؟ چه زمینه‌هایی وقوع چنین فاجعه‌ای غم‌بار و وحشت انگیزی را رقم زد؟ چه کسانی همفکران شیخ شهید بودند و چرا از او پشتیبانی نکردند؟ چه کسانی مخالف شیخ شهید بودند و چه اندازه در شهادت شیخ نقش داشتند؟ کسانی که هوادار شیخ بودند چگونه از صحنه خارج شدند؟ استعمار انگلیس و روسیه تزاری چه نقشی در این واقعه داشتند؟ چرا به مجازات‌های کمتر مثل تبعید و یا حبس بسنده نکردند؟ در این مجال کوتاه سعی می‌شود هر چند به طور اجمال به این سوالات پاسخ داده شود. به گواهی تاریخ پیرم خان ارمنی رئیس قشون تهران بعد از اشغال تهران توسط مشروطه خواهان و بعد از فرار شاه قاجار (آقامحمدخان) به سفارت روس با برگزاری دادگاه فرمایشی شیخ را به شهادت رساند.

شیخ شهید در پای چوبه دار فتوا می‌دهد که مشروطه حرام است و آن را سه بار تکرار می‌کند. این پیام مهم شاید کوتاه ترین پاسخ به سوالات فوق الذکر باشد. پیام مهمی که شیخ با خون خود آن را بر دیوار تاریخ نگاشت. در روزشمار ایام قبل از شهادت شیخ معلوم می‌شود که چه سرنوشتی در سایه‌ی سکوت بعضی خواص در انتظار شیخ شهید است.



عبرت‌های گرانسنگی را این واقعه تاریخی در خود پنهان کرده است. شیخ شهید وقتی دید با لوایح سخنرانی‌ها، نامه‌ها و تلگرام‌ها به اقصی نقاط ایران و جهان تشیع نمی‌تواند صدای خود را از لابه‌لای طبل‌ها و بوق‌های مخالف‌ها، هجمه رسانه‌ای، نسبت‌های دروغ و تهمت‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها که به مدد جراید، روزنامه‌ها، شب‌نامه‌ها صورت می‌گرفت؛ به گوش مردم رساند؛<sup>۲</sup> چاره‌ای به جز فریاد بلیغ و ماندگار خونین شهادت ندید. شاید گوش تاریخ بعد از خاموش شدن هیاهوها، صدای نحیف و گرفته‌ای از شیخ شهید بشنود. در ابتدا شیخ خود در جنبش عدالت‌خواهی مردم علیه استبداد داخلی حضور داشت و از آنان حمایت می‌کرد و علمای نجف را هم با این حرکت همراه کرد و انصافاً موجب پاگرفتن مشروطه شد.



جنبش عدالت  
خواهان با  
دخالت

انگلیس به  
مشروطه

خواهان تبدیل

شدند و شیخ

و هوادارانش

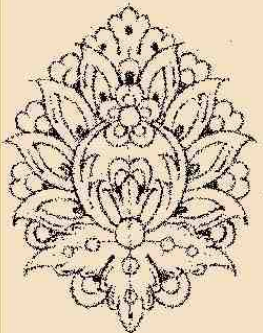
راه خود را

جدا نموده و

به مشروطه

مشروع خواه

معروف شدند



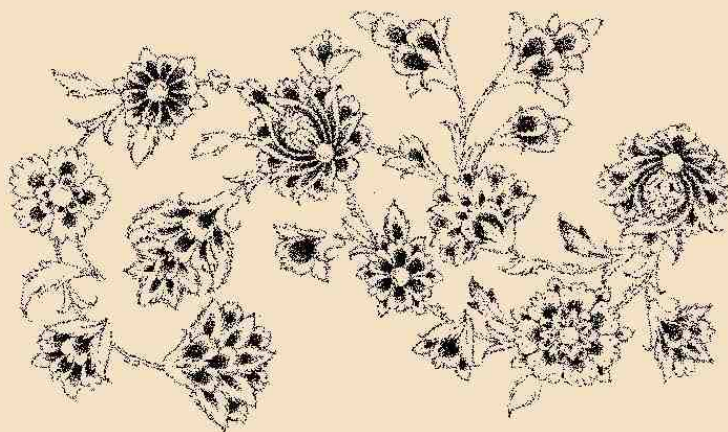
ولی بعد از این که با دخالت سفارت انگلیس توسط روشنفکران غربی داخل کشور، از جمله آقای تقی‌زاده، این جنبش از عدالت‌خواهی تبدیل به مشروطه شد<sup>۴</sup> و پیشتر از انقلاب فرانسه<sup>۵</sup> الگو گرفته و به مشروطه وارداتی معروف گشت؛<sup>۶</sup> شیخ علم مخالفت با آن برداشت. ابتدا به اصلاح دست زد تا شاید بتوان مصالحه‌ای در امور شکل داد.

از این رو با تلاش زیاد و ارتباط با علمای بزرگ جهان تشیع، همچنین با سخنرانی‌ها و روشنگری‌ها، ماده‌ای بر متمم قانون اساسی مبنی بر نظارت پنج تن از علمای تراز اول بر مصوبات مجلس، اضافه کردند.<sup>۷</sup> بدین وسیله ایشان سعی کردند جلوی اقدامات انحرافی ایجاد شده علیه خواسته به حق مردم را بگیرند. به همین دلیل شیخ و هوادارانش معروف به «مشروطه مشروع‌خواه» شدند.<sup>۸</sup> ولی دشمنان این را تاب نیاوردند چرا که منظور آن‌ها از مشروطه نه تنها محدود کردن اختیارات شاه بود بلکه محدود کردن اختیارات روحانیت از مصوبات کشور بود، چه بسا این اصل بود و آن فرع!

از این رو دشمنان شروع به مخالفت با شیخ کردند و با اطلاع رسانی‌های دروغ به علمای نجف و جلوگیری از رسیدن اخبار



و نامه‌های شیخ به دست آن‌ها و شایعه پراکنی و نسبت دادن دروغ و تهمت به شیخ<sup>۱</sup>؛ حمایت‌ها از شیخ را ضعیف و ضعیف‌تر کردند. بعضی مردم طرفدار نیز در تردید و شک نسبت به شیخ و نظریاتش افتادند. شیخ متهم به طرفداری از استبداد داخلی و حمایت از قاجار شد. درحالی که با توجه به اصل عقلی «دفع افسد به فاسد»، افسد بودن استعمار انگلیس و روس، تصمیم به مبارزه با آن‌ها که هدفشان به دست گرفتن زمام امور کشور و خارج کردن آن از دست حکام فعلی بود گرفت. در راهبرد مبارزه، شیخ شهید مبارزه با فساد حکام را در این مقطع، نسبت به مبارزه با دشمن خارجی، در اولویت دوم دانست. درحالی که خود از اولین مبارزان علیه استبداد داخلی بودند علیرغم این که ایشان استعمار خارجی را بر استبداد داخلی اولویت می‌دادند از استبداد داخلی و مقابله با آن نیز غافل نبودند و در نامه‌هایی به رئیس الوزراء و شاه، اقدامات آن‌ها را گوشزد کرده و تذکر می‌دادند. مع الاسف دشمنان از این تغییر استراتژی شیخ سوءاستفاده کرده و ایشان را موافق استبداد و موافق شاه و در مقابل مردم جا زدند. تاریخ عبرت‌آموزی که نیاز به واکاوی و نگاهی عمیق دوباره دارد. با صلوات بر روح شهید بزرگوار به امید پند گرفتن از این مقطع حساس تاریخ، مخاطبان عزیز را به کندکاو علمی پیرامون این واقعه اسف‌باز و تکان‌دهنده تاریخ دعوت می‌کنیم.



پی نوشت‌ها:

۱. مهدی انصاری، شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۲۶.
۲. زهرا علیزاده، بررسی افکار و اندیشه‌های علمای پیشرو مشروطیت، انتشارات فرهیختگان دانشگاه، ۱۳۹۸، تهران، صص ۳۷-۳۸.
۳. مهدی انصاری، شیخ فضل الله نوری و مشروطیت (روایی دو اندیشه)، ص ۱۳.
۴. همان، ص ۱۶.
۵. مجید کریمی، سه مکتوب در تاریخ، ص ۱۰۵.
۶. مهدی انصاری، شیخ فضل الله نوری و مشروطیت (روایی دو اندیشه)، ص ۱۴.
۷. اندیشکده برهان، شیخ شهید: در شناخت زندگی - زمانه و اندیشه‌های مشروعه خواه بزرگ - شهید حاج شیخ فضل الله نوری، پژوهش تاریخی ۲۸، بهار ۱۳۹۹، تهران، ص ۶۹.
۸. همان، ص ۵۱.
۹. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت، ص ۳۲۸.



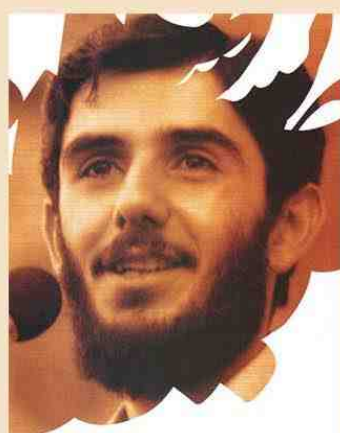
# معرفی کتاب صیوریت انسان بر صراط مستقیم

در ششمین شماره از نشریه با معرفی کتاب «صیوریت انسان بر صراط مستقیم» از مجموعه سخنرانی های شهید دکتر عبدالحمید دیالمه در خدمت شما مخاطبین فرهیخته هستیم. این کتاب در ۸۸ صفحه و در قطع پالتویی از نشر معارف انتشار یافته است. طبق روال کتاب های گذشته از ایشان، ده صفحه اول کتاب به بیان مقدمه ای کوتاه درباره معرفی شهید اختصاص داده شده است. در ابتدا شهید به ارائه خلاصه ای از سخنرانی قبلی یعنی «انسان در قالب زمان» (در شماره پنجم از نشریه) می پردازد. همان طور که در شماره قبل نشریه بیان شد انسان با ظرفی به اسم زمان قالب گیری شده است و اگر بخواهد از این قالب محدود رهایی یابد لازم است به نوعی از شدن دست یابد. این شدن همان مفهوم صیوریتی است که قرار است شهید درباره آن در این کتاب صحبت نماید.

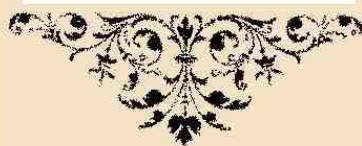
صیوریت نیازمند ضوابطی است که بدون آن، شدن محقق نمی گردد و مهم ترین عامل موثر در خصوص صیوریت انسان عبارت است از درک چیستی و چگونگی راهی که باید آن را طی نماید. در ادامه شهید به مثالی اشاره می کند؛ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر تفکرها و گروه ها حتی آن هایی که غیراسلامی نیز بودند خود را پیرو خط امام خمینی رحمه الله علیه معرفی می کردند و این قدر این راه امام در اثر ادعای انسان های گوناگون عریض و وسیع شده بود که دیگر معیار و سنجه ای برای تشخیص رهروی حقیقی خط امام مشخص نبود در حالی که هر چه راه ظریف تر و باریک تر شود رهروی حقیقی آن راحت تر مشخص می گردد.



مانند بندبازی که روی یک طناب باریک و معمولا در یک ارتفاع خطرناک حرکت می کند. عقل انسان این گونه درک می کند که هرچه ارتفاع بندباز از زمین بیشتر باشد و شرایط زیر بند خطرناک تر باشد ارزش بندباز و مهارت او بیشتر خواهد بود همان طوری که بندبازی روی آبشار نیاگارا با بندبازی در ارتفاع دومتري از سطح زمین یکسان نیست. شهید در ادامه می گوید: منطق اسلام نیز درباره صیرورت، معرفی صراط مستقیم است و آن را از مو باریک تر و از لبه شمشیر پرنده تر توصیف می نماید که بر پرتگاهی مهلک به نام دوزخ واقع شده است. طبق آیه ۵۶ سوره هود، کل هستی و کائنات در حال حرکت جبری در صراط مستقیم به سوی جهتی واحد یعنی به سوی خداوند متعال هستند و تنها موجودی که در این حرکت دارای اختیار است انسان می باشد. اما اختیار او نیز محدود و محاط به جبر است مانند پرنده ای که فقط در محدوده اتاقی در بسته قابلیت پرواز، حرکت و نشست و برخاست را دارد. اگر انسان انتخابش این باشد که هم سو با هستی به سوی خداوند باری تعالی حرکت کند لازم است صیرورت در صراط مستقیم را انتخاب نماید.



صیرورت انسان  
بر صراط مستقیم  
شهید دکتر عبدالحمید دیالیه



در ادامه شهید به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره می کند که فردی درباره چیستی صراط مستقیم از ایشان سوال می کند. امام علیه السلام می فرماید که صراط دو تاست؛ یکی در دنیا و دیگری در آخرت؛ صراط دنیا، امام معصوم علیه السلام است که باید شناخته شود و از او پیروی و اطاعت گردد؛ کسی که این چنین کرد می تواند از پل صراط در قیامت نیز عبور نماید. مانند روایت مشهور از نبی اکرم که می فرماید: دنیا مزرعه آخرت است؛ یعنی هر عملی که در دنیا صورت گیرد و کاشته شود، انعکاسش در آخرت مشهود می باشد.



بنابراین صراط مستقیم فقط متعلق به آخرت نیست بلکه  
پیمودن این مسیر از دنیا آغاز می گردد.

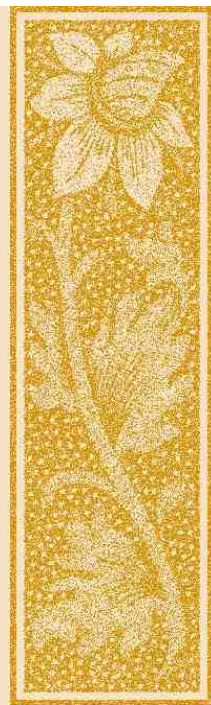
شهید در ادامه به این نکته اشاره می کند که اگر انسان  
در شناخت پیامبر و ائمه علیهم السلام و بعد از ایشان در  
شناخت نایب عام ایشان کوتاهی کند، ممکن است دچار  
این توهم روشنفکرانه شود که هرچه ولی خدا می فهمد او  
نیز می فهمد و در نتیجه باید در مقابل ولی خدا اظهار نظر  
کند و بعد از مدتی مستقل از امامش عمل می نماید و با راه  
امام یعنی صراط مستقیم زاویه پیدا می کند.

در ادامه شهید به چند مثال روز اشاره می کند و در پایان  
به سوالات مخاطبان با صبر و حوصله بسیار پاسخ  
می دهد. این تنها اشاره ای کوتاه و گذرا به مطالب وزین  
این کتاب، برگرفته از یکی از سخنرانی های شهید دکتر  
عبدالحمید دیالمه بود. برای بهره بیشتر از نگاه خاص شهید  
که از مکتب اهل بیت علیهم السلام سرچشمه می گیرد از  
شما برای مطالعه این کتاب ارزشمند دعوت می شود.

کامتان با صلوات و فاتحه ای برای روح امام راحل و شهدا  
نورانی باد.



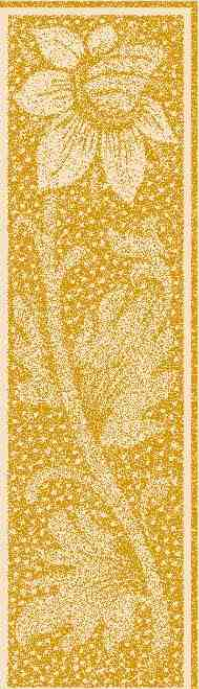




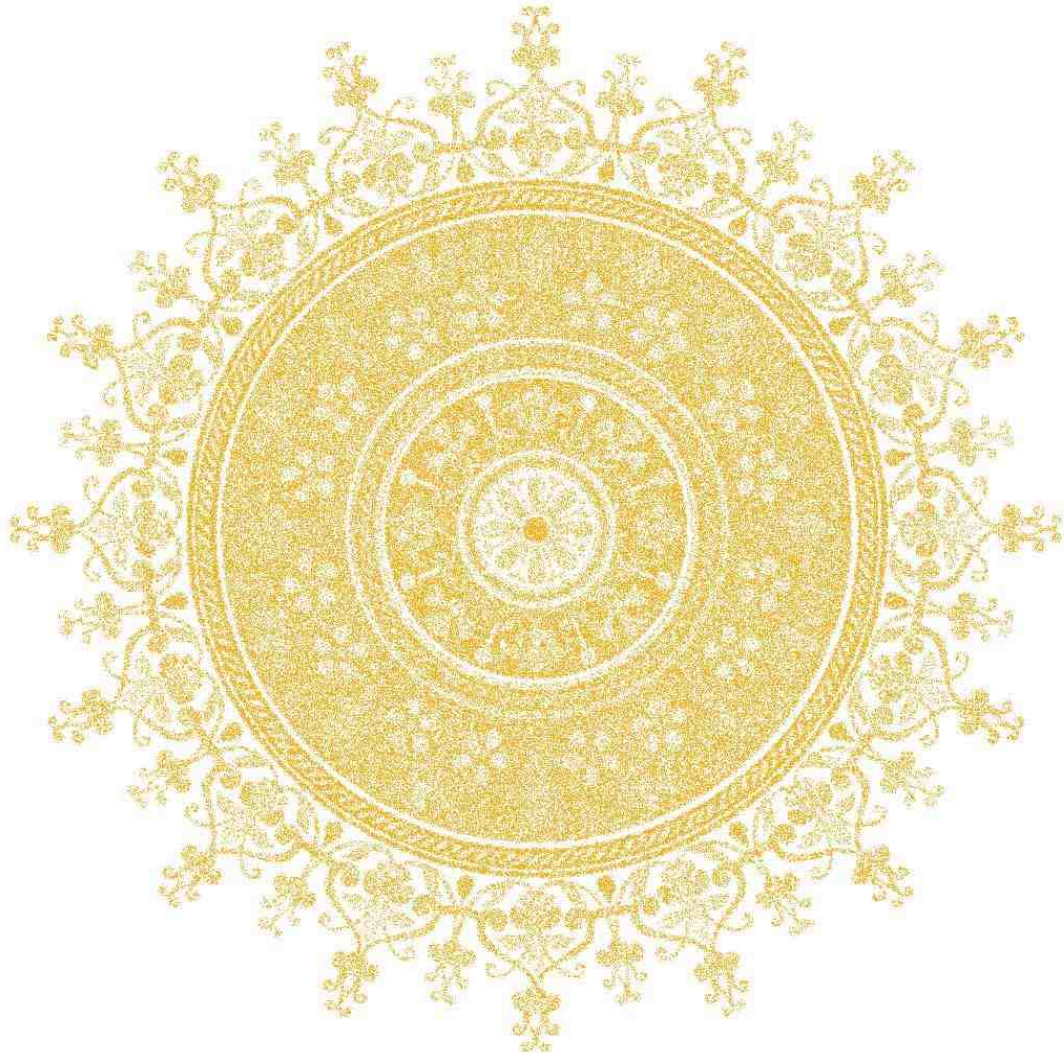
زینب کبری سلام الله علیها جهاد تبیین را، جهاد روایت را راه  
انداخت؛ نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از حادثه غلبه پیدا  
کند؛ کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند. حالا تا  
امروز روایت زینب کبری (سلام الله علیها) از حادثه‌ی عاشورا در  
تاریخ مانده، اما در همان زمان هم تأثیر گذاشت در شام، در کوفه، در  
مجموعه سال‌های حکومت اموی و منتهی شد به ساقط شدن حکومت  
اموی. ببینید! این درس است؛ این همان حرفی است که بنده همیشه  
می‌گویم: شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و  
انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند.

بیانات مقام معظم رهبری  
در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت

۱۴۰۰/۰۹/۲۱







واحد پژوهش مدرسه علمیه  
حضرت زینب کبری سلام الله علیها

[www.zbrs.ir](http://www.zbrs.ir)



موسسه علمیه حضرت زینب کبری، علیها السلام